

# اقتصاد سیاسی

## ( انباشت اولیه: سابقه تاریخی )

کلی سند و مدرک هست، مبنی بر اینکه اقتصاد سیاسی پیش از مارکس، در بند پندارهای اساطیری، پیشداری های ضد و نقیض، تعاریف من درآوردی، گرفتار مقولات انتزاعی و مجرد - در حاشیه قوانین کور طبیعی و اقتصادی، عجین با نظم مستقر، طرز تلقی مسلط... آب به آسیاب پیشکسوتان می ریخت، نامداران اقتصاد سیاسی کلاسیک - آدام اسمیت و دیوید ریکاردو را قفلک می داد. وضع موجود را بزک می کرد. نمی توانست مقوله ارزش را در مبادله پول و کالا، تعریف کند، رابطه تولید کالائی با پیشرفت و تکامل را بدست دهد... بقول مارکس: نامداران اقتصاد سیاسی کلاسیک، فرد تولید کننده را، نه بعنوان نتیجه تاریخ، بلکه بمثابه نقطه عزیمت تاریخ در نظر می گرفتند...

در این ارتباط، ( شرح فوق )، تاریخ مکتوب... گواهی می دهد که حضرات، حق مالکیت خصوصی بر ابزار کار، دست و ماشین آلات، وسائل تولید اجتماعی: منشاء ثروت، سود و بهره مالکانه، محرک استثمار و استعمار، تقابل قهری، دعوی خلع ید شدگان و خلع ید کنندگان نوپتی را اصلاً برسمیت نمی شناختند. تمام مسائل هم اینجاست. برعکس، مقولات اقتصادی، پول و کالا، تولید و مبادله، اینها همه را کلی و مجرد - تغییر « ناپذیر »! ازلی و ابدی ادراک می کردند.

این مارکس بود که از روی خصلت گذرای مقولات اقتصادی، پول و کالا، تولید و مبادله... پرده داشت. علم اقتصاد سیاسی را با زیست جمعی انسان ها، نیازهای مادی و معنوی نیروی مولد، با مبارزه طبقاتی در بستر مالکیت خصوصی پیوند زد - یا انسان ( تعریفی و غیر تاریخی ) را از اعتبار انداخت، پای انسان تاریخی، مولد و متفکر را به میان کشید، تجربیات دور نزدیک، داده ها، عینی و ذهنی را بررسی کرد، مکتوب و معلوم را به نقد کشید... تا راز حرکت قانونمند پدیده های طبیعی، مقولات اقتصادی و اجتماعی را دریافت، منشاء مادی و بستر تاریخی اقتصاد سیاسی را بدست داد...

انباشت اولیه سرمایه: در این ارتباط، تاریخ مکتوب گواهی می دهد که چطور اروپای « متمدن »! انگلستان و فرانسه و آلمان و اطریش و هلند و بلژیک... مدیون بیگاری دهقانان در روستاها، تلاش صنعتگران منفرد در حاشیه شهرها، جنگ های صلیبی در قرون وسطی - از راه توطئه و حقه بازی، آدم سوزی و آدم ربائی، قبیله تراشی، اشاعه نژادی و نژاد پرستی، بیگانه ستیزی، تخلیه زوری سر زمین های مسکون، استعمار خلقها و ملتها در قاره آسیا و آفریقا و آمریکا، مصادره دارائی و اموال دیگران در مناطق دور و نزدیک، شکار کشاورزان آفریقائی، برده سازی، برده فروشی، راه انداختن کار بردگی در جزایر کارائیب، سواحل اقیانوس آرام، تجارت برده در قاره آمریکا، با بیش از بیست میلیون نفر آفریقائی در غل و زنجیر... به انباشت سرمایه اولیه دست یافت - صنایع سنگین برپا کرد:

الف) یادتان باشد که چطور انگلیسی ها، برای از میان بردن صنعت نساجی هندوستان، تحمیل مونوپل صنایع نساجی خودشان در این کشور، انگشت مردان و زنان و بچه های بافنده هندی را قطع می کردند. **نقل از گفتگوی خانم سارلا فرناندو، یکی از سیاستمداران مرفقی سری لانکا، با آقای ژان زیگلر، در کتاب « سروران نوین جهان »، تالیف ژان زیگلر.**

ب) بعد از ورودشان به کشور ما، سر زمین مسکونی ما، سری لانکا را، بیابانی غیر مسکون جا زدند - حال آنکه در این کشور مسکون، کشاورزان ما، همچنان مشغول کار و زندگی بر سر صدها هزار هکتار از زمین های خودشان، مستقر بودند. بعد از اخراج صدها هزار روستائی از خانه و کاشانه، از محل کار و زندگی خود، که همه، از گرسنگی مردند... انگلیسی ها، مزارع چایکاری خودشان را در گورستانی که پر از اجساد دهقانان ما بود، برپا کردند.

پ) اروپائی ها، هنگام ورودشان به سر زمین مسکونی ما انجیل در دست داشتند و ما مالک زمین هایمان بودیم، امروز انجیل در دست ماست و آنها مالک زمین های ما هستند. **نقل از « امه سزر، شاعر و متفکر مرفقی جزائر مارتینیک ».**

ت) فرانسوی ها، واحد کلنل کنت، دهکده های مسکون در شمال آفریقا را، بدون تخلیه اهالی... آتش می زدند. کشاورزان بومی را در محل می سوزاندند. آدم کشان لردیسم و بناپارتیسم کشاورزان آفریقائی را، در سر زمین خودشان، شکار کرده و در قاره آمریکا می فروختند. حتی بعضی ها... را در قفس چپانده، در غل و زنجیر، به اروپا آورده - و بعنوان حیوانات وحشی « تازه کشف شده »! در پارک ها، به نمایش می گذاردند...

ث ( کثافت کاری های چندش آور ژنرال اوسارس در الجزیره... تا سال ۱۹۶۲ میلادی، اخته کردن کشاورزان نکور اندونزی توسط هلندی ها، ویرانگری آلمان ها، آدم سوزی های بلژیکی ها در آفریقا... نقل از « کتاب خاطرات ژنرال اوسارس »، به نقل از کتاب « نفرت از غرب - اثر ژان زیگلر. اینها همه، اسناد و مدارک رسمی، کلی جای حرف دارد. حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

رضا خسروی